گزار شی از نمایشگاه گروهی مجسمه «ماشین های عبث» در گالری ماهمهر

روزگارىعبث كەبيھودەمى چرخد

کوچه به کوچه بلوار آفریقا گالریهای هنری

توچه به توچه بمور سریت - بری-دی - ری خانه دارند و وقتــی به بالای بلوار می رســید در خیابان نیلوفر موسسه آموزشی و هنری ماممهر

این موسسه تاکنون هنرجویان و جای دارد. این موسسه تاکنون هنرجویان و شاگردان زیادی را به جامعه هنری معرفی

کرده کُـه خیلیهایشان برای جامعـه هنری نامآور شدهاند. از جمله این دورههای آموزشی،

كلاسهاى مجسمهسازى استاد پرويز تناولي

و جواهرات هنری آغاز ُشــد و تا مُجسـُـمههای معکوس،بازیافت و ماشینهای عبث ادامه یافت

این روزها شاگردان «ماشینهای عبث» تناولی تاررز آثارشان را به گالری مامهر آوردهاند، این آثار در وهله اول نمایی فیزیکی از یک ماشین را به تماشا

می گُــُذَار دولی در بطن اثر، ماشــینهایی کاملا مهندسی شدهاند. ماشــینهای این نمایشگاه با ، وجود آن که از همه پیچیدگیهای هر ماشین

ر برد ان حرر سبه پیچید سیعتی هر منسین دیگری در جهان برخوردارند اما کاری انجام نمی دهند، آنها در روز گاری عبث، هیچ هدفی

ندارند، کاری بیهوده را تکرار می کنند و گویی بیهودگیهای عمر ما را به ما گوشـزد می کنند. ریش البرز کوه، مسیح احصدی، آتنا اخوان، کوروش آمسری، فریده امینیان طوسسی، مهروز بلادی، سیاوش جرایدی، آزاده دشستی، سارا

ربردی سیووس جرایدی ، مدر زرمی، زینب صادقی، لیلی طاهری، میناطلایی، فرداد علوی، شاهین قاسمی، امیر موسویزاده و نگار نادری پور هنرمندانی هستند که آثار شان در نمایشگاه «ماشین های عبث» به نمایش درآمده

پرویز تناولی درمورد تأکید و استمرارشان بر برگزاری کلاسهای آموزشی گفت: کلاسهای

مُجِسُمهسازی در ماهمهٔ ربرای این است که تجدید حیاتی جهت مجسمهسازی ایران مهیا

شود، شاهد نسل نوین و نوجوی مجسمهسازی در ایران هستیم که ماحصل همیت دورههای فشرده و کاربردی است؛ در کنیار تکنیک در

این دورههٔ ا، مضامین متنوع امروزی و بهویژه مضامینی که بچهها بتوانند احساساتشان را

ت که در هسر دوره ۳۰ تا ۴۰ هنر-فارغالتحصيلُ مىُشِــُوند اين دورهها از مدالها

گفتوگو

ىكنماىشگاه، ىككتاب درگالري «أ»

ازنوروتاریکیتاگفتوگوبا ۵۰گالریدارخارجی



اینروزها گالسری اُ میزبسان «افق رویداد» است؛ یک دور نمای موهوم و شاید هولناک که در تضادنور و تاریکی و به لطف تاکید بر فاصله ها پدید آمدهاند؛ این سومین نمایش نفرادی الهام یزدانیان، هنرمند جوان است؛ این نمایشگاه که مفهوم فاصله و تاثیر گذاری آن بر روابط اجتماعی را از بعدی تازه با سبک شناخته شده این نقاش دنبال می کند، دیدی تازه به مکان را به تصویر می کشد. نمود معماری در آثار این هنرمند نشان از توجه خاص او به مکان و ناثُير گذاري اين عنصر دار ديابه قول خوداو: ١مكان، فضايي است کهانسان آن رامی سازدو زمان در آن جاری می شودو توسطاً گاهی فردی یاجمعی تعریف می شود.

عنقاشی و ۱۱ طراحی آثاری است که از این هنرمند تا ۱۵ دیماه در گالری ابه نمایش گذاشته شده است. در کنار این نمایشگاه، کتاب «هر آنچه می خواستید درباره گالری دارها بدانید اما جرأت پرســیدنش را نداشتید، که توســط از کیده درودی، مدیر گالری اُ ترجمه شده است، نیز رونمایی شدد این کتاب ۵۰ گفتو گواز گالری داران تأثیر گذار دنیاو نوع نگاه آنها را به تصویر می کشد که در نوع خودبرای هنرمندان و دوستداران این هنر جالب توجه

بازسازى يكحسنوستالژيك

بازی با نــور در آثار الهــام یزدانیان به نحوی اســت که امکان انتقال حس نوستالژیک نسبت به آثار را به مخاطب مى دهد، البته خود أو تأكيد دارد كه به دنبال القاى چنين . ی را بر این نمایشگاه به «شهروند» گفت: فاصله بک فضاست، فضایی که در آن هر چیزی تغییر شکل پیدا می کند، به وجود می آید و حتی از بین می رود. این فاصله شناختی متفاوت به من می دهد. او در ادامه افزود: چیزی که بر ایم مهم است، تأکید بر وجود همین فضایی است که فاصله آن را به وجود می آورد، که حتما چیزی در آن تغییر می کند بیشتر می خواهم که با گفتن این که یک چنین فضايى وجود داردو مى تواند باعث ايجاد تغييرات شــود.

چشم، عنصری تعیین کننده در هنرهای تجسمی اس

را استار کرد استان اگر سوژه و بنیان آثار تجسمی یک هنرمنده این عنصر حیاتی باشد؛ خاصه آن که این نقاش بالرایه چشـمان از حدقه در آمده و درشت و خیره، بخواهد

به مخاطبش پیامهای تازهای هم برساند. نمایشگاه نقاشی و تصویرســـازی اســــالار جرجانی، با عنوان اخطها نگاهم

می کنند، در گالری جرجانی بر محوریت چشـــــم طراحی و اجرا شده است؛ جالب این جاســـت که جرجانی دو برخورد

عمده با چشم انجام می دهد؛ نخست این که این عضوی

مشــترک در میان همه موجــودات زنده اســت و از این رو

ميوان ديگري، أمري است كيه نبايد سيادهانگارانه از آنُ

از قابهای کوُچِک می کوشُداز «چشم» آشنایی زدایی هایی هم کند تامخاطب را بااندیشه پشت آثارش بااندکی شوک

روبهرو كند؛ البته در اين راه بيش از متن هر اثر ، بايد به كليت

تابلوهادریک نگاه،سیاه کردن همه دیوارهای گالری وشیوه ارایه آثار دقت کرد. آبی دریا، ماهی، پرنده و روح پرواز دیگر

مناصر تماتیک آثار جرجانی جوان اند که گویا از پرواز مداوم

محل سکونت در کیش و محل کار در تهران برمی آید؛ این

مفهوم موكد هنر مند را پيگيري مي كند؛ آثار اين نمايشگاه

گرچه در نگاه نخست ساده و فانتزی به نظر می رسداما

تــُلاْش دُارد در فضایی صمیمی و آرامشـــی که به مخَاطب القامی کند، حرفهایی بزند که شــاید این روزها کمتر در

گوشه و کنار شهُر شنیده مُیشود. او همچنینُ دُر معدودُی از آثارش از موجوداتی می گوید که گویا یک سرش اسطوره

ست و سر دیگرش تخیل های هنرمند طراحی های او روان است و دیدترس تحیل های هنرمند طراحی های او روان و فی البداهه تداعی می شود در عین حال با چینش عناص رنگی همگن در آلقای احساس درونی مخاطب بوقی به نظر می کنید و اقدامی هایش می گوید: «چون در کیش زندگی می کنم و قسمتی از کارم در تهران است، منام در حال رفتوامد و پرواز هستی در

جُرِياْنُ اين پروازها، حس آبي دُريا با موضُوعاتُ بومي مانند

تمایه ها هر یک در خدمت همان چشــمانی است که

ـدن و رصدشــدن من و شما از ســوی انسان یا هر

د. دیگر این که او با ارایه موجودات مختلف در سریالی

. وضَیح داد: من به دنبال حسی نوستالژیک نبود ماما گاهی تطخطی هایی شبیه شکل هایی که کودکان با مدادی

و تاریکی شکل می گیر دوبارنگ و بوم آن را تجربه می کنی. ر ربی ای می در در در از این این او درساره تا این از درساره تداعی فضاهایی نظیر کوچهباغهای قدیمی در آثارش اظهار کسرد: در برخی از آثار به صورت محو شکلهایی هســت که شــبیه به حرکت کودکانه است. درواقع من سمعی داشستم خاطرات ُرا به صوُرت اثر داشته باشم یعنی در یک کار پخته، خطی کودگانه دیده شمود اما به طور حتم دنبال فضای نوستالژی نبوده. یزدانیان درباره زمان اتمام مجموعه افق رویداد، گفت: عه حدود ۳ سال به طول انجامید اما ادامه روند رر ثارهای قبلی من بود.البته منبــع نور هم مدنظر بود ا که که منبع نور حذف شدو تنها خود نور اهمیت پیدا کرد و به این کوچه هارسید که در حال تعریف کردن فاصله است.این آثار در حال ادامه پیدا کردن است یعنی این گونه

نیست که یک مجموعه تمام شود و من کار تازهای را آغاز کنم زیرا همه چیز به دنبال یکدیگر رخ می دهدو در ادامه

بکدیگر هستند. او در باره متر بال کار افزود: در کل با دو ىتريال اُصلى اكرليك وْرنْگروغْن كارْ مْيْكنم كەابتداي کار با اگرلیک است زیراً سریع خشک می شود و به من این امکان رامی دهد که سسریع کار کنیم و تمام آن انرژی اولیدای را که برای به تصویر کشیدن دارم، سریع و بی وقفه

ر پیری و بری به ویر سین در به ریخ روید. روی بوم پیاده کنم. اتمام کار بارنگ روغن است که زمان و دقت زیادتری رامی طلبد. **تجربیات گالری داران**

پیشروی اروپایی و آمریکایی در کنار این نمایشـگاه، کتاب «هر آنچه میخوا،

درباره گالری دارها بدانید اما جرات پر سیدنش را نداستید» نوشته «آندریا بلینی» که توسط «ارکیده درودی» ترجمه

شُده و نشر نظّر آن رابه چاپ رسانده است، رونُمایی شد. درودی در گفت و گو با «شـهروند» این کتــاب را دارای

موضوعات جالبي براي هنرمندان و علاقهمندان به هنر

ر نجسکمی خواند و در این باره گفت: من نخستین بار این کتاب را در موزه لاکمالس آنجلس دیدم و به نظرم کتاب

بالبي آمد. كل كتاب ۵۰ گفتو گوبا گالري داراني است كه

كتابفروشىهاوهمين كالرى قابل خريداست

شاید معروف نباشند اما در همان کشور و شهر خودشان تأثير گذارعمل كردهاند.

-او اَدامه َداد:بسیاری از سوالات ماننداین که گالری داران، واصفحات بسیری ارسواد تا مصنت این که تایزی کارانی، هنرمندان خود را چطــور انتخاب می کنند یا رابطه آنها با هنرمندان چگونه است؟ در این کتاب پر سیده می شود که شاید تکراری به نظر بر سداما قطعا چواب هامتفاوت و بسیار " جالب توجّه است. درودی کتاب را آموزنده خواند و اظهار یب بورد. کرد: این کتاب برای خود من بسیبار آموزنده بود و البته امیدوارمبرای دیگران نیز همین گونه باشد.

مدیر گالری اُدرباره نزدیکی فضای کتاب به ایران گفت: بدیهی است نکاتی در کتاب هست که از فضای ایران دور ست اما مواردی هم هست که افراد علاقه مند می توانند از آن دریافتهای جالبی اخذ کنند. درودی در پاسخ به این ســوال که گروه مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند، گفت: این کتاب علاوه بر گالسری داران به مجموعه داران نیز نگاهی دارد و پیشنهاداتی را در قالب نکاتی کوتاه ارایه ی کند که قابل تُوجه است. به نَظرَ من از آن جایی که این نتاب تجربیاتی درباره رابطه هنرمندان با گالری داران هم رایه می دهد، می تواند برای هنرمندان هم جالب باشد. او ازریدهی نخستاهی توند برای هسرممتان هم جمیه بیست و آفزود:این کتاب برای من که تجربه تر جمین شاشتم و عملت وقتم معطوف به تأسیس گالری بود، طولایی شد و بالغ بر یکسال ونیم طول کشید در بدو امر ۶ مصاحبه از کتاب در مجله گلستانه منتشر شد اما بعد مجموعه کامل آن وسط انتشارات نظر به چاپ رسید. درودی تصریح کرد: درستاست که این کتاب روی بخش معنوی گالری داری تمرکز دارد اما بخش اقتصادی را نیز مدنظر قرار داده که سيار جالب توجه است. شايد اين اثر الهامبخش ترجمه

. دیگر کتبباچنین مضامینی شود. گفتنی است نمایشـگاه افق رویداد» تا ۱۵ دی ماه در گالــری اواقع در خیابــان ویلا، کوچه خســرو پلاک ۴۶ پذیرای بازدیدعلاقهمندان است و کتاب گالری داری نیز در

نگاهی تازه داشته باشم تا جایی برای تفکر دوباره باز شود ی یزدانیان ادامه داد: خواسته من این است که مخاطب با نتیجه شخصی خود بر سد او درباره حضور پررنگ عناصر معماری درآ تارش گفت: در کارهایم بیشتر ترجیح می دهم که فیگور انسانی نباشد و تنها تأثیر آن در محیط دیده ت بیر رست کی جست و سهر تیران کردایید بیشتر شودمانند خطخطی هایی که در تمام کارهایم کم و بیش وجود دارد. این هنرمندالقای خاطره یا حس نوستالژیک

روی دیوار می کشند در آثارم وجود دارد. یزدانیان افزود: من این بازی نور و تاریکی را در آثارم در فضاهای معماری جست وجومی کنمزیرابه نظر من مکانی که انسیان آن را می سازد و زمان در آن جاری می شود، توسطآ گاهي فردي ياجمعي تعريف مي شود ً یزدانیان دربــُاره دلیل نامگذاری ایـــن مُجموعه به نام فقرویــداد گفت: نزدیک به ۱۰ ســال اســت که فضای کاری من در زمینه «نور و تاریکی» است. در این مجموعه رس در رسید. حرور درجی، مسمد ار این مجموعه جدید نیز در ادامه همال روند. در مقهوم فاصلها تأکید داشت. تم البته نگاه مفهومی دیگری نیز داشتم و آن توجه به سیاهچاله ها بود. سیاهچاله ها نقاطی از فضا هستند که نیروی گرانش در آن مکان بسیار زیاد است به فنداری که نیروی گرانش در آن مکان بسیار زیاد است به فنداری که هیچچیز،حتی نور،نمی توانداز آن بگریزد. درواقع به سطح هیچچر، حتی بورسی بودندان کندرود دروههای بسطح یک سیاهاچاله «اقق رویدان» گفته می شود که آن سطح، معمولی بهشـمار نمی رودیدینی قابل رؤیت و امس،شدن نیست و تنها یک فضاست. فضایی که هرچیزی در آن تنها برای یک «آن» می تواند حضور داشته باشد.

او نــور را مِترادف با آگاهی و شــعور نامیــد و ِگفت: نو برای منٌ با آگاهی و شـعور مترادف مُیشـ خلق می کند و در مسیر ساخت یا ویران کردن وجود دارد. یعنی گاه در فعلی یا عُملی مثل «دیّ در مفهومی چون «دانســتن» و تاریکی که شعوری نهفته دارد، دیده میشود. من این اآگاهی، را در خودم و همه

چشمان هستی مارامی پاید

ماهی و پرنده همراه من است؛ از سویی دیگر انسان دغدغه دیرین و همیشگی من است و همه اینها بنیان های شکلی و فرمیک آثارم است؛ همه این آثار را حول محور یک چشم رایه دادهام که برایش تئوری قایلم، او ح ر برگری برای کرد در در برگری به برگری برگری بازدر در برگری برگری برگری برگری برگری برگری برگری برگری برگری برگ منظر زیبایی شناسی و نیز باز معنایش در آثار ش مهم خواند و گفت: چشمازنگاه بصری دارای جذابیتهای بصری آشکار است؛ پنجرهای از درون موجُودات رو به دنیای بیرون است و در مقابل پنجــره روح و درون موجودات اسـ

اين كارها في البداهه مستندُو بِراي طراحي أنها اصلااز مُداد ناده نمی کنم که بشود در آن تغییری ایجاد کرد. طرحها راباراپیدمی کشم و همه خطهار ابدون تغییر یا پوشاند حذف کردن نگهمی دارم.» . جرجانی افــزود: امن نقــاش آکادمیک نیســتم، و ده، ه



تُوخير مُاندُن اين چشم هابه اطرافشان نشان صی دارد. ایسن ش بيوه، درونمايه ن فیالبداهه بودن آن از زندگی خودم نشــأت گرفته اس از دقت زندگان به اطراً ف دارد، او با اشاره به تکنیک آثار خود گفت: «کارهایم با ماژیک به وجود آمده اند و چون رشته و کار بعضى وقتها تصويرى در ذهنم هس

ے۔ نم کہ از ہرچیزی یک طرح دربیاورم و با دیدن نقش د سسم حربر مر پیری به سرخ دریافت می کردم.» فرش، طرحهای مختلفی از آن دریافت می کردم.» او در مور د شباهت آثار ش به تصویر گری گفت: «در بر وشور نمایشگاه، هم عنوان نقاشی ذکر شده و هم تصویرگری، چون کارهایم بین این دو است. درواقع کارهایم نه نقاشی سرف است و نه تصویر گری صرف، یعنی هم به عنوان یک نقاش این آزادی را داشتم که ایده ام را بگویم و هم علاقه ام به تصویر گری باعث شد به آن سمت بروم پرویز کلانتری درمورد کارهای من گفت: این کارها در عین این که نقاشی ن،مے تواند تصویر گری باشدوبر عکس .»

ولى گاهي|وقسات كارم في|لبداهه اسست.از كودكي عاد

حرجانی درمورد استفاده از رنگ در کارهایش گفت: محدودیت رنگی ندارم و از همه رنگها در کارم استفاده می کنم، ولی از نظر تکنیکی چون با ماژیک کار می کنم، محدودیت تر کسب دارمد، بعض از کارها هماز آرنگ محدودیت ترکیب دارم در بعضی از کارها هم از آبرنگ واکریلیک برای زمینه استفاده کردم ولیی اصل کارها با ماریک است. او درمورد تأثیر معماری بر کارهایش گفت: استفاده از خط در این کارها کاملا بارشته و کارم ارتباط دارد. زندگی انسان از خطعای مختلف تشکیل شده و یکی ز خُطَهایمهم زندگی من معماری است که تأثیر زیادی در كارم داشته وخودش راكاملانشان مى دهد. كارهاى كوچك ر ا من پس از بازگشت از کار و با راپیدریز با ظرافت بسیار زیاد انجام شدهاند او درمورد تابلوی بزرگی که به نمایش گذاشته میشود، گفت: ااین کار بزرگ درواقع دیوار پیشساخته دفتر کارم بود. از مدتها پیش برای کسب آرامش شروع کردم به نقاشی کشیدن روی آن دیوار و بعداز مدتی آن قدر جدی شد که دلم نیامد خرابش کنم، بنابراین دیوار را کندم و با خود آوردم کار روی آن یک سال زمان برده است و حتی

ر. پریزبرقی که روی دیوار بود در کار من وجود دارد. نمایشگاه «خطهانگاهم می کنند» اگر چه در نگاه نخ. ساده و فاتنزی به نظر مهرسداما تلاش دارد در فضایی صمیمی و آرامشی که به مخاطب القا می کند، حرفهایی بزند که شایداین روزها کمتر در گوشه و کنار شهر شنیده

استاد پرویز تناولی برای ما ایجاد شد. در طول برپامی کنم؛ این کلاسها معمـولابین ۸ تا ۱۰ برپی سی عمر بین کا دو ماه طول می کشد. کلاسها هفته ای یکبار بر پامی شود و من فقط یک موضوع می دهم؛ موضوعاتی که قبلا تکرار نشده است. این ســـال ها با تکنیک های بسیاری آشنا شدیم که جــدا از بحث ســاختاری و شــناخت مواد، این ۹سالی که من در موسسه ماهمهر تدریس می کنه، حداقل هرسال ۳۰ تا ۴۰دانشجو فارغ التحصيل شده أند. بيش از ۴۰۰ شاگرد كه تقريبا نصف اينها در صحنه مجسمه سازى ايران می کردند و تصور بر زبان آوردنش را ندا ظاهر شدند و فعالند، نمانشگاه می گذارند و کار طاهر شدند و فعانند، مهایشناه می ندارند و کار می کننده حتی آنها که کار هم نمی کنند دانش این خوزم را پیدا کردند و با آگاهی بیشتر در حوزه موردعالاقهنسان کار می کنند. خیلی هایشسان معمار یــا گرافیست بودند و کارهــای دیگری

داشتند و این دورههارا گذراندند. تناولی درباره دوره «ماشسینهای عبث» اظهار داشت: من همراه هنرجویان در یک دوره آموزشیی فشرده و به مُدت دو ماه با مشار کُت یکدیگر کار کردیم. این پروژهای بسیار فنی است و مسائلُ هنری، مکانیکی و الکترونیک در آن مطرح است. درواقع آثاری که در این دوره برای ما بود. ساخته شد، حاصلُ ترکیبی از هنر و صنعت یا هنر و ماشین است. ماشین در زندگی امروز ما نقـش بسـیاری دارد و همچنیـن می تواند برایمان بسیار الهام بخش باشد. البته ما به دنبال ماشینی که تولید مفیدی داشته باشد، نبودیم و میخواستیم ماشسینهایی عبث تولید کنیم. پروژه را بهطور کلی زیرنظر داشستم و خانم مونا یاد به دلیل تحصیل در رشته طراحی صنعتی پد بحدین تحصین در رهسته طراحی ستنی تمام مسائل تکنیکی و اجرایی پروژه را مدیریت کردند. درواقع ایشان بودند که به هنرمندان ر ر ت . . . ر حاضـر در این پـروژه کمـک کردنـد که چه ماشینی را با چه ساختار و قدر تی برای کار خود

> مهـروز بلادی با اثــری به عنوان «انگشـــتری که «براتیگان» در ازای «صید ماهی قزل آلا در آمریکا» به من فروخت» در این نمایشگاه شرکت کرده، او چند سالی است کیه در دورههای

با استقبال زیادی مواجه شُد. حجمهایی که متحرک هستند و انرژی مصرف می کنند ولی خروجـــی مفیدی ندارند. ماشـــینهایی عبث و یهوده. بهدلیل این که سال هاست جواهرسازی احرفه اصلی خود می دانم، تصمیم گرفتم یکی اُز انگشترهایم را که در دید عموم مورد استقبال بیشتری قرار گرفتیه بود، متحرک کنم. چه چیزی بیهوده و عبث تر از این که یک انگشـــتر حرکت کند. وى افرود: ايده اوليه كارم را با استاد مطرح کردم و بعد از تاییدشدن با مهندسان مکانیک مختلفی مشورت کردم که به بهترین و تكنيكي ترين حالت ممكن اجرا شود. آقاي مهندس سروش ولى نيا اجراى طرح حجم مور دنظر مرا به عهده گرفتند بـلادى در مورد اســــــــــقبال مخاطب از این گونه آثار گفت: آثار ی از این قبیل بهدلیــل آلودگیصوتی که حاصل بی کنند، موردتوجه خریداران قرار نمی گیرند، ولی به نظر شخصی من، جــای چنین آثاری در فضــای هنری ایران خالی اســت، در موزهها

آموزشی مجسمه سازی و جواهر سازی استاد

عبث، گفت: در مجموعه اخیر استاد ایده جان بخشیدن به حجمها را مطرح کردند که

جمع آوری می کنند و امیدوارم این فرهنگ در دنیای هنری ایران هم نمود پیدا کند. یای معری برای میرامبود پیده مصد. آتنا اخوان، هنرمندی است که با اثر «حراف» در نمایشگاه «ماشینهای عبث» حضُور دارد. در این کار حروف بیهوده و هرز می چرخند تا نام حراف را برخود گذارند. آن قدر می چرخند یم سرات را بر صوحه معارضه بیهوده و نادیده که دیگر هویت حرف را ندارند، بیهوده و نادیده می شوند. او درباره علاقهاش به مجسمهسازی و ــر کُت در دوره آموزشی پرویز تناولی گفت:از دوران کودکی و نوجوانی کار حجم و شناخت مواد را زیرنظر اساتید مجرب آغــاز کردم و در طول این چندین ســال بــا انــواع تکنیکـهای حجم از جمله ســفال، فلز، چوب و... آشنا شدم. در سال ۱۳۸۹ به همراه همسرم شاهین قاسه افتخار آشــنایی و فرصت شــاگردی در محا

و گالریهای مختلف سراسسر دنیا از این نمونه آثار بسیار دیده میشود که مجموعهداران آنها را



دریچهای تازه از مفهوم هنر معاصر برای ما ایجاد کرد. در طول جلسات بحث و گفت و گو هنرجویان جسارت بیان ایدههایی را پیدا مى كنند كــه تاديروز آنهــارادر ذهن خاموش او درخصوص نمایشگاه «ماشینهای عبث» ادامُه دُاد: مي توان مستقيما به دنيايي اشاره کرد که در پیش روی داریم. به روز گاری که هم عبث است و هم ماشینی و مکانیزه، هم ساده و هم بسیار پیچیده. شاید گفتن و ساختن السين هاي عبث، بازي جالبي بالسدهم با الفاظ و هم با این روزگار ماشــینی. شاید تصور فرمان دادن به مغــز برای خلــق کارخانهای با وُ اينُ آغاز فلسفه هنري اين ماشين هاي عبث

رک ... اثری بدون عنوان از نهالهای پلاستیکی در این نمایشگاه خودنمایی می کند، این اثر متعلق به «شاهین قاسمی» است. در این اثر در کنــار مجموعهای ســبز، پلاســتیکـهایی کــه در طبیعت بازیافــت نمی شــوند و در دل طبیعت عبث و بیهـوده میمانند در چیدمانی از گلدانهـای سـفالی و سـبز بـه رخ بیننده کشیده میشـود. قاسـمی درمورد جایگاه این تی نوع مجسمهسازی در بازار هنر گفت: از آنجایی که این شــکل از هنر هنوز بــرای مخاطب عام، ناملموس و گنگ و برای مُخاطب خاص، حرکت نو به حساب می آید، به رغم استقبال شدید، نباید انتظار فروش یا سرمایه گذاری گالری ها و مجموعه داران را داشت. هرچند که حمایت از این حرکتخو می تواند بستر مناسبی را برای تراوشات بیشتر، عمیق تر و تکمیل تر هنرمندان این بخش ایجاد کند.

معماری است، از عناصر و ایزار معماری استفاده کردم

جر جمعی سرود اس مصنف آموزشــی بــرای آن نگذرانــدم. شــاید در آن صــورت از تکنیکهای مختلف اســتفاده می کردم، اما این کاری که

می کنم، کاملا شـخصی اسـت و نمی توانم بگویم سبک